

اجرای قانون کشف حجاب در شهر قم؛ روش‌ها و واکنش‌ها (بررسی اسنادی)

فاطمه‌السادات ضیغمیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

چکیده

حجاب در تاریخ معاصر ایران با ورود فرهنگ و اندیشه‌های غربی و دخالت سلبی حکومت‌ها ابعاد پیچیده‌ای پیدا کرده است. مسلماً هرگونه بررسی و چاره‌اندیشی در مورد آن نیازمند بررسی ریشه‌ای شکل مواجهه عمومی با رفع و کشف حجاب و البته مطالعه سیاست‌های حکومت‌ها در قبال آن مسئله می‌باشد. شهر قم به‌عنوان یک شهر مذهبی با تمرکز روحانیت در آن، می‌تواند مورد مطالعاتی مناسبی در این زمینه محسوب شود. در مورد روش پژوهش، باید گفت که در این تحقیق با روشی توصیفی-تحلیلی، طی تحقیقی کتابخانه‌ای و با بهره‌مندی از اسناد و مدارک آرشیوی موجود در آن‌ها به بررسی و تحلیل موضوع پرداخته و در کنار آن با استفاده از خاطرات افراد آگاه معاصر رویداد (تاریخ شفاهی) بر جنبه‌ی استنادی و اقناعی کار افزوده شود. نتایج و یافته‌های تحقیق را می‌توان این‌گونه بیان کرد که؛ سیاست‌ها و روش‌های حکومت رضاشاه در زمینه‌ی اجرای قانون کشف حجاب در این شهر، به دو بُعد تبلیغی و اجرایی قابل تقسیم‌بندی است. ابعاد تبلیغی؛ معمولاً در قالب مراسم و جشن‌های کشف حجاب، که بیشتر رویه‌ای فرمایشی و نمایشی داشت، دنبال می‌شد و جنبه اجرایی آن که به مرور، نسبت به جنبه اول، پررنگ‌تر، جدی‌تر و خشن‌تر شد؛ شامل ممانعت از حضور و برخوردهای تند با بانوان محجبه در مدارس، ادارات، معابر و اجتماعات عمومی بود. روش تقابل مردم و علما نیز در برابر قانون کشف حجاب عموماً، روشی تدافعی و نه تهاجمی بوده است.

کلید واژه‌ها: اسناد کشف حجاب، چادر، قم، رضا شاه، روحانیون.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

ضیغمیان، فاطمه‌السادات (تابستان ۱۴۰۴). «اجرای قانون کشف حجاب در شهر قم؛ روش‌ها و واکنش‌ها (بررسی اسنادی)». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هشتم، شماره ۲، پیاپی ۳۰، صص ۷۷-۱۰۰.

^۱. دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: Zeyghamy_66@yahoo.com
کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با راجیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

حجاب در تاریخ معاصر ایران با ورود فرهنگ و اندیشه‌های غربی و پس از آن دخالت حکومت‌ها، ابعاد جدید و پیچیده‌ای پیدا کرد. ریشه‌های کشف حجاب در تاریخ معاصر ایران را می‌توان به دوره ناصری رساند. اما جدای از ریشه‌ها، زمینه‌ها و مقدمات آن، از تاریخ ۱۷ دی ۱۳۱۴ و با دستور و ورود مستقیم رضا شاه این مسئله، رسماً جنبه‌ی قانونی و اجباری پیدا کرد. قانونی که البته هیچ وقت به تصویب مجلس شورای ملی نرسید و تا سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ و مدتی بعد نیز، نسبتاً با جدیت از طرف کارگزاران و عمال حکومت او دنبال می‌شد.

در باب شکل، شیوه و شدت اجرای کشف حجاب رضاشاهی، قدر مسلم آن است که تفاوت شرایط فرهنگی، مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و معیشتی در میزان پذیرش و الزامات اجرای کشف حجاب در کشور ایران، با تنوع جغرافیایی، قومی و فرهنگی مؤثر بوده است.^۱ در این میان می‌توان گفت که طبقه متوسط و ضعیف شهرنشین به دلایل اعتقادی، اجتماعی و اقتصادی، به ویژه در شهرهایی با بافت و بن مایه‌های قویتر مذهبی، در اجرای قانون کشف حجاب، با سختی‌ها و مشکلات بیشتری مواجه بوده‌اند.

ضرورت و اهداف تحقیق: قم به عنوان یکی از معدود شهرهای شاخص مذهبی ایران، هم از نظر شکل و ابعاد مواجهه‌ی مردمی (به‌ویژه به دلیل حضور طبقه برجسته علما و روحانیون) و هم از نظر بررسی سیاست‌های حکومت در راستای اجرای قانون کشف حجاب در یک شهر فوق العاده مذهبی، مورد مطالعاتی خوبی محسوب می‌شود. ضمن اینکه طی دهه‌های بعد، در حکومت پهلوی دوم، پس از انقلاب، دوره جمهوری اسلامی و تا به امروز (بیش از پیش)، مسئله حجاب حتی در شهری نسبتاً مذهبی و انقلابی مثل قم، جنبه‌های پیچیده و لاینحلی پیدا کرده است. بنابراین تحقیق حاضر سعی دارد با بررسی اولین مواجهه اجباری مردم شهر قم با مسئله کشف حجاب و ابعاد و آثار سیاست‌های حکومتی در این زمینه، بررسی ریشه‌ای‌تری از این موضوع به عمل آورد.

موضوع حجاب که تا پیش از این دوره به عنوان یک اصل شرعی و عرفی، هنجاری مورد توافق عموم محسوب می‌شد، ابتدا، عرصه نزاع دولت و ملت و پس از آن به شکافی اجتماعی تبدیل شد. بررسی ریشه‌ای مواجهه مردم با مسئله بی‌حجابی و کشف حجاب و نوع عملکرد حکومت در این مورد، می‌تواند به فهم بهتر مسئله کمک نماید. این تحقیق سعی دارد با بررسی اشکال، ابعاد، روش‌ها و میزان جدیت حکومت رضا شاه در اجرای قانون کشف حجاب در شهر مذهبی قم و نیز شکل مواجهه و مقابله عمومی مردم و روحانیون در برابر این قانون، قدمی در فهم بهتر برهه‌ای از تاریخ معاصر بردارد. از طرف دیگر، با تمرکز تحقیق بر یک شهر مذهبی مطرح، به عنوان برشی از تاریخ

^۱ ر.ک: مقدمه رضا شعبانی در: «واقعۀ کشف حجاب» (اسناد منتشر نشده)، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: ۱۳۷۳، صفحات هفت الی بیست.

محلی، امید است که نتایج این تحقیق، البته در کنار بررسی ابعاد و ادوار بعدی، به درک زوایای مختلف مسئله و چاره‌اندیشی درباره آن به ویژه در بررسی ریشه‌ای رویکرد به مسئله حجاب و بی‌حجابی در شهرهای مذهبی و پس از آن در سایر مناطق، کمک نماید.

سیاست‌گذاری‌های کلان، بررسی جشن‌ها و مجالس مربوط به نهضت نسوان در این شهر، شدت و جدیت کارگزاران حکومت در اجرای قانون کشف حجاب، مواجهه و مقاومت‌های عمومی مردمی و مواضع علما و روحانیون قم در قابل این مسأله، موضوعاتی است که به طور مشخص در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش این مورد مطالعاتی در حوزه پژوهش‌های تاریخی با روش توصیفی و تحلیلی قرار می‌گیرد. در این تحقیق طی بررسی اسنادی سعی شده ابتدا با تکیه بر اسناد یافت شده توصیفی از مسئله ارائه و همزمان به تحلیل ابعاد موضوع نیز پرداخته شود. در کنار بررسی اسنادی از منابع شفاهی و خاطرات موجود مرتبط برای تکمیل بیشتر مسئله و تقویت جنبه اقتاعی مطالب استفاده شده است.

در مورد پیشینه پژوهش باید گفت با وجود چندین مجموعه اسنادی چاپ شده و برگزاری چند همایش معتبر علمی^۱ در ارتباط با موضوع کشف حجاب و البته نمونه‌هایی از کارهای پژوهشی در این مورد در قالب تاریخ محلی^۲، خلأ مورد مطالعاتی مستقل و حتی کمبود شدید اسناد چاپ شده مرتبط با کشف حجاب در شهر قم کاملاً آشکار است. مطالب موجود نیز بیشتر یا در خلال شرح حال و خاطره‌نگاری‌های شخصیت‌ها و علمای معاصر با رویداد بوده و یا به طور مختصر در منابع پژوهشی که به نحوی با موضوع فوق مرتبط می‌باشند چاپ شده است. برای نمونه حمید بصیرت منش در کتاب علما و رژیم شاه بخشی را به بحث کشف حجاب و برخورد علما اختصاص داده که چون این شخصیت‌ها اکثراً ساکن قم بوده‌اند، این منبع و موارد مشابه به نوعی جزء پیشینه این پژوهش محسوب می‌شود.

با توجه به پیشینه پژوهش، از امتیازات این تحقیق رجوع به پرونده‌های اسنادی چاپ نشده سنگین مربوط به شهرهای مختلف و استخراج اسناد مربوط به شهر قم از میان آن‌ها بوده است. در این بین برخی مجموعه‌های اسنادی که نسخه دیجیتالی از آن‌ها موجود نبوده به رؤیت مستقیم محقق رسیده است. علاوه بر این موارد سعی شده از سطح توصیفی صرف فراتر رفته و برای فهم بهتر مسئله اسناد مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. برای این منظور در ادامه ابتدا سیاست‌های نرم و

۱. برای نمونه ر.ک: وکیلی، هادی (۱۳۹۶)، مجموعه مقالات همایش ملی قیام گوهرشاد، مشهد: بوی شهر بهشت، ج ۱ و ۲.

۲. برای نمونه: زندیه، حسن و ماریا اسرافیلیان (۱۳۹۹)، کشف حجاب در ایالت استرآباد، پژوهشنامه زنان، س ۱۱، ش ۴، ۶۶-۳۷؛

شهسواری، تقی (۱۳۸۴) «کشف حجاب در لرستان به روایت اسناد» **نشریه شقایق**، س ۱، ش ۴۳، صص ۱۶۰-۱۳۸ و...

سخت حکومت در اجرای قانون کشف حجاب در شهر قم مورد ارزیابی قرار گرفته و در ادامه به واکنش‌ها و مقاومت‌های مردم و علما در مقابل این مسئله پرداخته شده است.

۲. سیاست‌گذاری‌ها در اجرای قانون کشف حجاب در قم

۲-۱. سیاست‌گذاری‌های کلی

در بادی امر به نظر می‌آید که اجرای قانون کشف یا رفع حجاب در شهر مذهبی قم؛ به دلیل شرایط و حساسیت‌های خاصی که بر آن حاکم بوده است، باید با احتیاط، نرمش و دقت نظر بیشتری همراه بوده باشد. همانطور که در سند مهمی به تاریخ ۲ دی ۱۳۱۴ از طرف فرماندار قم به وزارت داخله آمده است:

«البته خاطر آن وزارت مطبوعه مستحضر است که قم راجع به اجرای این دستور غیر از سایر شهرها است و باید با کمال حزم و احتیاط شروع به اقدام این موضوع شود و هر روز با رئیس شهربانی مشغول تهیه مقدمات در اجرای این دستور هستیم» (ساکما، ۲۹۰-۸۳۶۶)

در سند دیگری باز هم او در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۱۴، بر ضرورت کار تبلیغاتی برای آماده کردن زنان تأکید می‌کند. از جمله مصادیق این مقدمات و تبلیغات؛ تشکیل جلساتی در فرمانداری برای توجیه رؤسای ادارات، توجه و برجسته سازی مسأله ایاب و ذهاب محصلان دختر رفع حجاب شده، تشکیل جلساتی با معلمان خانم و تشکیل مهمانی‌هایی غیررسمی در منازل رؤسای ادارات به شکل متوالی همراه با خانم‌هایشان و صحبت راجع به موضوع کشف حجاب، بوده است. در این سند حداقل بیست روز برای تبلیغات و تشکیل مجالس خصوصی و تکمیل و رفع نواقص خانم‌ها لازم دانسته شده، تا اقلأً پنجاه خانم برای جشن پیش آهنگی در اوایل یا اواسط بهمن آماده شوند، به اعتقاد فرماندار این روال موافق با جریان محلی بوده و زودتر از این امکان نداشته است (ساکما، ۴۶۳۱-۲۹۰). قابل توجه است که تمام این مقدمات و زمینه چینی‌ها، صرفاً در سطوح بالای اجتماعی و بانوان رؤسای ادارات بوده، که به دلیل وضعیت اجتماعی، اقتصادی و وابستگی‌های سازمانی خود، طبیعتاً آمادگی بیشتری برای پذیرش کشف حجاب داشته‌اند؛ در حالی که مسئله کشف حجاب در میان عموم مردم که وابستگی خاصی به دست دستگاه حکومتی نداشته و بلکه ممکن بوده به دلایل اعتقادی و سیاسی، با حکومت مشکلات جدی فروخورده‌ای داشته باشند با واکنش و جنبه تدافعی بیشتری همراه بوده است.

^۱. درست است که ابلاغ رسمی و عمومی قانون کشف حجاب در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۱۴ بوده است؛ اما از مدتی قبل‌تر دستورالعمل‌هایی به تمام کشور ابلاغ و فرمانداران و حاکمان محلی در تدارک مقدمات این امر بودند.

از جمله دیگر اقدامات مقدماتی در این زمینه، تبلیغات و توجیهات لازم در جلسات مخصوص بانوان و نیز تعقیب و اجبار خانواده‌هایی بوده که با شنیدن زمزمه‌های قانون کشف حجاب دخترانشان را از مدرسه خارج کرده بودند (ساکما، ۸۳۶۶-۲۹۰). در گزارش دیگری در همین اثنا (۲۶ دی ۱۳۱۴)، از اداره تعلیمات وزارت معارف به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی، با توجه به اینکه «تربیت نسوان شهر قم بیشتر از سایر بلاد مورد توجه وزارت معارف واقع شده»، از اعزام یک نفر مأمور کاردان مجرب به این شهر خبر می‌دهد که این فرد با حسن سیاست و تشویق اولیاء محصلات و معلمات، آن‌ها را به ترک چادر ترغیب نموده است. این گزارش در حالی از موفقیت کامل این مأموریت سخن می‌گوید و مدعی است که گردش مأموران با خانم‌هایشان و معلمات و جمعی از محصلات در شهر، موجب خوشنودی اهالی شهر و مسرت طبقات مختلفه شده (مپس، ۳۹۵۱) که این ادعا با محتوای سند قبل مبنی بر عدم آمادگی برای برگزاری جشن پیشاهنگی تا بیست روز دیگر در تعارض قرار دارد.

گذشته از این زمینه‌سازی‌های تبلیغاتی و نرم فرهنگی، مکاتباتی مبنی بر لزوم افزایش عده پاسبانان شهر قم، هم از طرف شهرداری و هم از طرف حکومت قم و پاسخ مثبت به این درخواست، نشان دهنده جدیت ابعاد اجرایی و سخت قانون کشف حجاب در قم می‌باشد (ساکما، ۸۳۶۶-۲۹۰؛ ساکما، ۴۶۳۱-۲۹۰).

۲-۲. برگزاری جلسات توجیهی، جشن‌ها و مراسمات مربوط به کشف حجاب (روش‌های نرم فرهنگی)

از جمله مهم‌ترین مصادیق اجرا و نشانه موفقیت قانون کشف و رفع حجاب در دوره رضا شاه، مراسم و جشن‌هایی بود که در ادارات، اماکن عمومی و خصوصی و مدارس، با آیین‌های نسبتاً مشترکی مثل نطق و خطابه در تمجید نهضت آزادی نسوان و نقش زنان در جامعه، اجرای سرود و نمایش دانش آموزان، سخنرانی مقامات و دعا به ذات ملوکانه پادشاه، برگزار می‌شد. از این جشن‌ها حتماً باید عکسبرداری و به مرکز ارسال می‌شد. یک نسخه از این عکس‌ها در پرونده‌های مشخص ضمیمه و نسخه دیگر پس از بررسی در اداره انطباعات وزارت معارف، در صورت اقتضاء در جراید مرکز و شهرستان‌ها به چاپ می‌رسید. این مجالس، با فرایندهای خاص خود، آمیخته با جنبه‌های بسیار تلخ و یا حتی طنزی که داشتند، می‌توانند موضوع تحقیق مستقل و مفصلی باشند. به‌ویژه خطابه‌هایی که عموماً از طرف بانوان در این مجالس قرائت می‌شد نیز می‌بایست از نظر محتوایی و برای آشنایی با زوایای اندیشه‌ای مسئله کشف حجاب، مورد توجه، تحقیق و بررسی جدی قرار گیرند. در مورد شهر قم، اگرچه در بعضی گزارش‌های ارسالی به وزارت معارف اعلام شده، که خلاصه نطق‌ها بوسیله معروضه جداگانه تقدیم شده، اما متأسفانه و برخلاف اسناد بسیاری از

شهرهای دیگر، متن سخنرانی‌های جشن‌های کشف حجاب شهر قم در پرونده‌های مورد بررسی قرار گرفته، موجود نبود (ساکما، ۲۸۱۵۵-۲۹۷).

به هر حال، شهر قم نیز در زمینه برگزاری جشن‌های کشف حجاب، استثناء نبوده و چندین گزارش از برگزاری چنین جشن‌هایی در این شهر موجود است. برنامه‌هایی که از بهمن ۱۳۱۴ شروع شده است. بخشی از این مراسم و جشن‌ها در شهر قم، براساس اسناد، گزارش‌ها و اخبار روزنامه استوار^۱ به این شرح است:

سه بهمن ۱۳۱۴؛ مکان: ساختمان اداره حکومت قم (فرمانداری)، با حضور رؤسای ادارات و اعضای شهربانی همراه با همسرانشان و سخنرانی فرماندار و رئیس اداره شهربانی،

۱۳ بهمن ۱۳۱۴؛ مکان: اداره صحیه، با سخنرانی بانوان و شرکت رؤسای دوایر دولتی، تجار و محترفین شهر با خانم‌هایشان،

۱۵ بهمن ۱۳۱۴؛ مکان: منزل مصباح التولیه با سخنرانی خانم دولت آبادی،

۳ اسفند ۱۳۱۴؛ جشنی عمومی با حضور تمام طبقات با سخنرانی خانم وثوق؛ مدیر دبستان دولتی مختلط (بلدیه برای این جشن، به مناسبت سالگرد سوم اسفند، در روزنامه استوار آگهی عمومی داده بود. در این زمان رئیس شهربانی قم مجازی بود)،

۲۳ اسفند ۱۳۱۴؛ مکان: منزل ابوالقاسم معمار باشی، جشنی به مناسبت نهضت نسوان،

۲۷ اسفند ۱۳۱۴؛ مکان: منزل مهدی جواهریان با حضور مسئولان دولتی،

۲۵ اسفند ۱۳۱۴؛ مکان: منزل رضا شاکری، جشنی به مناسبت کشف حجاب، با حضور رؤسای ادارات و بعضی مردم برگزار شد که در آن، سردبیر روزنامه استوار؛ ابوالفضل طهماسبی، حجاب را سنتی غیر ایرانی معرفی کرده و راجع به مزایای کشف حجاب سخنرانی می‌کند. وی در پایان از وجود چنین جشن‌هایی ابراز خوشحالی می‌کند، ولی آن را ناکافی می‌داند.

روز آخر اسفند ۱۳۱۴ نیز جشن آتش بازی بزرگی به مناسبت کشف حجاب در شهر قم بر پا می‌شود. (اباذری، ۱۳۸۸: ۴۵-۴۸؛ ساکما، ۴۶۳۱-۲۹۰؛ ساکما، ۲۸۱۵۵-۲۹۷؛ ساکما، ۸۲۳۹-۲۹۰؛ ساکما، ۲۸۱۵۵-۲۹۷)

^۱ روزنامه استوار؛ پایدارترین و به نوعی اولین روزنامه باثبات شهر قم در دوران معاصر؛ به صاحب امتیازی ابوالفضل طهماسبی، به دلیل اقتضائات سیاسی دوره رضاشاه، رابطه نسبتاً خوبی با حکومت داشته و در راستای رعایت جوانب امر، عموماً گزارش‌های مثبتی درباره اجرای قانون کشف حجاب در این شهر ارائه داده است (اباذری، ۱۳۸۸) که در غیر این صورت امکان ادامه فعالیت با توجه به خفقان حاکم بر مطبوعات آن دوره ممکن نمی‌بود. البته تعلقات فکری صاحب امتیاز و نویسندگان نشریه نیز مسئله مهمی است که می‌باید به شکل مجزا مورد بررسی قرار گیرد.

تعدد و توالی این جشن‌ها طی ماه‌های بهمن و اسفند ۱۳۱۴، بیانگر اهمیت این گونه برنامه‌ها برای حکومت و گویا نشان دهنده تلاش مقامات محلی برای نمایش موفقیت آمیز بودن اجرای کشف حجاب به دربار شاهنشاهی و مقامات بالادست بوده است. این برنامه‌ها تا حدی نیز ناشی از تصور امکان تحقق خوش‌بینانه و ساده‌اندیشانه کشف حجاب در جامعه در ابتدای امر، بوده است. تا آنجا که در گزارش جشن سوم بهمن، حاکم قم اظهار می‌دارد:

«اوضاع با کمال آرامش و نظم پیشرفت می‌نماید ... و قطعاً تا یک ماه دیگر به چادر و حجاب خاتمه داده خواهد شد» (ساکما، ۴۶۳۱-۲۹۰)

هم‌چنین در گزارش جشن ۳ اسفند، در پایان می‌آورد:

«در نتیجه قضیه رفع حجاب در شهر قم خاتمه یافت و در معابر به‌هیچ‌وجه بانوان با حجاب دیده نمی‌شود.»

البته در این سند نهایتاً امضاء کننده نامه (حاکم قم) در کنار کلمه حجاب در پرانتز واژه چادر را اضافه کرده است. یعنی در معابر بانوان با حجاب چادر دیده نمی‌شوند (ساکما، ۸۲۳۹-۲۹۰).

به مرور زمان از تعداد این جشن‌ها کاسته و طی سال‌های بعد، به مراسم برگزاری سالگرد ۱۷ دی (آن هم عموماً در مدارس و دبیرستان‌های دخترانه) و برخی مناسبت‌های خاص محدود می‌شد. مثل مراسم ۱۷ دی ۱۳۱۵ در دبیرستان حکمت قم، که در جمع محصلین و با حضور محترفین و تجار و رؤسای ادارات به همراه خانم‌هایشان، همراه با سخنرانی، سرود، مناظره و نطق، برگزار شد (ساکما، ۳۰۶۵۹-۲۹۷).

اگرچه مسئولان امر به ویژه در ابتدای کار سعی داشتند، تصویری تمام و کمال از اجرای موفق قانون کشف حجاب به مقامات بالا دست ارائه دهند؛ ولی در نهایت اسناد و گزارش‌هایی وجود دارند که مسئله را طور دیگری نشان می‌دهند. برای نمونه، عدم حضور تجار و معاریف قم با بانوانشان در مجلس ۱۷ دی ۱۳۱۶، در اداره معارف مورد توجه و انتقاد شهربانی قرار گرفته است. به دنبال این جریان، غائبین احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند که اکثراً عذر موجه نداشته‌اند. شهربانی قم تا آنجا پیش می‌رود که پیشنهاد تبعید این افراد را به منظور تنبیه آن‌ها، به ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی می‌دهد (میس، ۳۹۳۸). صورت اسامی این پانزده نفر که از صنوف؛ تاجر، طبیب، برزگر و فلاحت پیشه بوده‌اند، به پیوست نامه به مرکز اعلام شده است. در این سند تأکید شده که:

«موضوع حجاب در طبقه تجار و متدینین طبیعی و تثبیت نشده است» (ساکما، ۱۸۴۷۸-۳۱۰).

در نمونه‌ای دیگر، در مورد مراسمی که در دبیرستان حکیم نظامی قم، در تاریخ ۱۸ مهر ۱۳۱۸، به دعوت اداره فرهنگ برگزار شده بود، گزارش می‌شود؛ که رؤسای ادارات با بانوانشان حضور به هم رسانیده‌اند؛ اما بانوان طبقات مختلف شهر، جز معدودی حاضر نشده‌اند. نظر و واکنش نخست وزیری

به این مسئله این بوده که؛ موضوع حجاب در قم، هنوز طبیعی و مثبت نشده است. در این مورد دستورهای اکیدی برای پیگیری امر به فرمانداری و به‌ویژه شهربانی داده شده تا اقدامات و مراقبت‌های لازم به‌عمل آید (ساکما، ۱۴۰۱: ۳۱۰).

جدای از اسناد رسمی، بخشی از خاطرات شفاهی نیز بر فرمایشی بودن این جشن‌ها و عدم حضور بسیاری از معارف و متخصصان قمی در آن‌ها تأکید کرده و حتی بعضی اظهار داشته‌اند که بیشتر حضار این مراسم مربوط به مقامات و کارمندان غیر بومی بوده که در شهر قم مأمور به خدمت بوده‌اند (فقیهی، ۱۳۷۷: ۸۴). در همین زمینه، پاکنویس سندی در یکی از مجموعه اسناد واقعه کشف حجاب به چاپ رسیده که حاوی گزارش استعمال مسکرات و قمار در بعضی دعوت‌هایی که با حضور بانوان و از طرف رؤسای ادارات و حکومت، بعد از تعمیم و پیشرفت نهضت بانوان قم برگزار شده است. این نامه که در پی گزارش مذکور به دفتر ریاست وزراء به حکومت قم نوشته می‌شود، اظهار می‌دارد که این خبر موجبات تعجب وزیر گشته و از حاکم قم خواسته که در صورت حقیقت داشتن، سریعاً موقوف گردد (اسناد واقعه کشف حجاب، ۱۳۷۳: ۲۹۳ و ۲۹۴). ولی به هر حال این گونه برنامه‌ها در شهر قم هم برگزار می‌شده و حتی گاهی که به شکل عمومی ترتیب داده می‌شد مورد توجه عمومی (البته از طرف مردها و به منظور تماشا) قرار می‌گرفته است (اراکي، ۱۳۹۰: ۴۵).

۳-۲. شدت و جدیت در اجرای کشف حجاب (روش‌های سخت اجرایی)

پیش از این گفته شد که بخشی از مقامات و مسئولان حکومتی، بر اجرای گام به گام و ملایم قانون کشف حجاب، به‌ویژه در شهرهای مذهبی تأکید داشتند. برای نمونه؛ در سندی مربوط به سال ۱۳۲۲، در بخشنامه‌ای به کلیه استانداران و فرمانداران، وزیر کشور می‌نویسد:

«البته اقداماتی که می‌شود باید از روی سیاست و حسن نیت و با کمال متانت بوده با مقتضیات محلی وفق بدهد یعنی عملی که در رشت می‌شود نباید عین آن عمل در قم و مشهد بشود ولی بطوریکه گزارش میرسد در پاره نقاط اقدامات مأمورین شهربانی نه فقط از روی تدبیر و متانت نبوده بلکه از روی خشونت و سوء سیاست بوده که در نتیجه تولید شکایاتی هم نموده است» (اسناد واقعه کشف حجاب، ۱۳۷۳: ۴۳۰).

اسناد مربوط به اجرای قانون کشف حجاب هم نمایانگر این سوء سیاست، عدم انعطاف و درک شرایط مناطق مختلف است. یکی از مهمترین اسناد حاکی از خشونت و زیاده روی در این ارتباط، نامه دفتر رئیس الوزراء به اداره کل شهربانی است که پیگیر تلگرافی به تاریخ ۱۳۱۶/۵/۲۵ بوده که در آن گزارش شده، هاشم پاسبان در قم در برخورد با سکینه نامی، اقدام به برداشتن روسری او کرده و به گفته بستگان سکینه، به دلیل لگدی که پاسبان به پهلوی سکینه زده، پس از یک روز فوت کرده است (ساکما، ۱۸۴۷۶-۳۱۰). حتی براساس یک پرونده قضایی، در یک مورد زنی محجبه از

خانواده‌ای سرشناس مورد تعقیب مأمورین قرار گرفته و آنان به دنبال او به خانه آن زن ریخته و در خانه خودش اقدام به کشیدن چادر از سرش می‌کنند. به دنبال این اتفاق، اهالی خانه و محل، کتک مفصلی به مأموران می‌زنند (قضاوت، ۱۳۸۳: ۱۷).^۱

در نامه نگاری‌های شهربانی، با نخست وزیر هم بر تعقیب و در صورت تکرار تسلیم به دادگاهی شدن زنانی که با روسری صورت خود را می‌گیرند (و ولی قانونی آن‌ها)، تأکید شده است؛ البته این شدت برخورد تا حدی به دلیل نارضایتی مرکز از وضعیت کشف حجاب بانوان در قم بوده و اینکه این موضوع آن‌طور که باید در این شهر پیشرفت نکرده بود (ساکما، ۱۳۸۳: ۶۰-۳۱۰). میزان تندرستی بعضی مسئولین حکومتی قم برای نشان دادن جدیت و موفقیتشان در امر کشف حجاب تا آن‌جا بود که طی تلگراف رمزی به وزارت داخله (به تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۱۱)، اجازه دعوت از محاضر و علما روحانی در مراسم مربوط به کشف حجاب را برای خاتمه موضوع می‌نمایند که با مخالفت جدی و هوشمندانه اداره سیاسی این وزارت خانه مواجه می‌شوند (ساکما، ۱۳۸۳: ۴۶-۲۹۰).

در کنار اسناد، مصاحبه‌ها و خاطرات شفاهی نیز پر از نمونه‌هایی است که بر شدت و خشونت مأموران دولتی، به‌ویژه شهربانی در اجرای قانون کشف حجاب در قم دلالت دارد. در خاطرات مربوط به زندگی آیت الله مرعشی نجفی، از یکی از مأموران شهربانی (به تعبیری رئیس شهربانی)؛ که به‌عنوان مردی گستاخ و بدزبان شناخته می‌شد، یاد شده که حتی در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها هم به زنان با حجاب حمله و چادر از سرشان می‌کشید (رفیعی، ۱۳۹۲: ۷۷). در خاطرات آیت الله بدلا، عبدالهادی حائری، علی اصغر فقیهی، امام خمینی، آیت الله طالقانی و بسیاری از شخصیت‌های دیگری که سال‌های بزرگسالی، جوانی و حتی کودکی‌شان، مصادف با رویداد کشف حجاب رضاخانی بوده، توصیفات تلخی از شدت برخورد مأمورین برای کشف حجاب اجباری بانوان قمی به تصویر کشیده شده است (فقیهی، ۱۳۷۷: ۸۴-۸۵؛ بدلا، ۱۳۹۶: ۱۲۰-۱۲۱؛ حائری، ۱۳۷۲: ۱۸ و ...).

بی‌دلیل نبوده که حاکم قم، در تقدیر از رئیس شهربانی، می‌نویسد که او از هیچ اقدامی کوتاهی نکرده و حتی در تمام محلات شب و روز پست‌هایی گذاشته اند تا مراقب فرد فرد اهالی باشند (ساکما، ۱۳۶۶-۲۹۰). در جایی دیگر نیز طی نامه‌ای (به تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۱۹) به وزارت داخله از رئیس شهربانی، یاور خاتمی، در زمینه اجرای سیاست دولت در قسمت نهضت نسلان تمجید فراوان کرده و برای او و سایر مأمورین شهربانی درخواست تشویق داشته است (ساکما، ۱۳۸۳: ۴۶-۲۹۰). البته در میان مأمورین شهربانی عده معدودی هم بودند که سعی می‌کردند با مردم مدارای بیشتری داشته باشند. در خاطرات شفاهی، از پاسبان مشهودی جعفری نام می‌برند که با مردم همراهی می‌کرده است. به

^۱ قاضی محمد وجدانی (دادستان کل کشور در آن زمان) در جریان فرجام خواهی این پرونده به استناد قانون حرمت مسکن مردم و اینکه رفع حجاب قانون نیست که ایراد جرح به مأمور دولت در حین انجام وظیفه مصداق داشته باشد، صدمات وارد به مأموران را دفاع مشروع خوانده و با شجاعتی مثال زدنی، حکم برائت متهمان را صادر و مأموران متخلف، تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند. (نامی درخشان بر تارک دادگستری، نشریه قضاوت، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، شماره ۲۹، ص ۱۷)

شکلی که پس از فوتش مردم تشییع جنازه بزرگی برایش ترتیب دادند و البته برعکس در حادثه مرگ یکی از مأمورین سخت گیر شهربانی، قمی‌ها ابراز شادی کرده و به هم تبریک می‌گفتند (فقیهی، ۱۳۷۷: ۸۵).

۳. مقاومت‌ها و واکنش‌های مردم در مقابل قانون کشف حجاب

۳-۱. مقاومت ابتدایی معلمان و محصلان در برابر قانون کشف حجاب

پیش از این گفته شد که با رواج زمزمه قانون کشف حجاب بسیاری از خانواده‌ها دختران خود را از مدارس خارج کردند و حتی در این زمینه اعلانی نیز در تاریخ ۲ دی ۱۳۱۴ در یکی از محلات قم نصب شده بود، با این خطاب به مسلمانان که دختران خود را از مدارس خارج کنید. جدای از این حتی جمعی از معلمان خانم (طبق اسناد حدود ۶ نفر؛ که این عدد باید در مقایسه با تعداد کل دبیران خانم در نظر گرفته شود) اعلام کرده بودند که حاضر به رفع حجاب نخواهند بود و استعفا می‌دهند (ساکما، ۸۳۶۶-۲۹۰). حتی در اواسط دی حدود ۱۵ نفر از محصلان دختر (جدای از دختران ترک تحصیل کرده) هم‌چنان با حجاب به مدرسه می‌رفتند و کلیه معلمان خانم هم تا این تاریخ هنوز کشف حجاب نکرده بودند و حاکم قم در سندی اظهار داشته که تا ده روز آتی، معلمان هم حاضر برای برداشتن چادر خواهند شد (ساکما، ۲۶۳۱-۲۹۰).

۳-۲. حجاب، بدون چادر

جدای از خانه نشینی‌ها، ترک تحصیل و تدریس، عبور و مرور از پشت بام‌ها، تعقیب و گریزها، ساختن حمام‌های خصوصی در زیرزمین‌ها و...، در این دوره مسئله تغییر فرم پوشش و شکل حجاب هم، به عنوان یکی از اشکال مقاومت بانوان در برابر کشف حجاب، مطرح می‌شود.

در گزارش‌های مربوط به اجرای موفقیت آمیز کشف حجاب در قم، ذکر شد که در جایی حاکم قم (در تاریخ ۱۳۱۴/۱۲/۵) می‌نویسد؛ که در معابر بانوان باحجاب دیده نمی‌شوند؛ اما بعد با عبارت چادر توضیحش را کامل می‌کند. یعنی بانوان با حجاب چادر دیده نمی‌شوند! (ساکما، ۸۲۳۹-۲۹۰). مسئله این بود که پس از قانون کشف حجاب، برخی بانوان با تغییر فرم پوشش خود، بدون چادر سعی در حفظ حجاب داشتند. در نامه‌ای از فرمانداری به رئیس اداره شهربانی، (مربوط به مرداد ماه ۱۳۱۷) حاکم وقت قم، به حضور بانوان با روسری در معابر اعتراض کرده، می‌گوید که زنان چادرهایشان را برش داده‌اند و با دستمال‌های بزرگی، سر و صورتشان را می‌پوشانند. در حالی که باید بدون روسری و با صورت باز از خانه خارج شوند. او از این وضعیت شاکی است؛ چرا که امر دولت در تمام کشور اجرا شده، ولی در قم عملی نشده است! به همین دلیل خواستار شدت برخورد پاسبان‌ها و

جلب زنانی شده که با روسری یا لباس سیاه در بیرون حاضر می‌شوند و نیز احضار و مؤاخذه سرپرستانشان و در صورت تکرار می‌بایست مجازات شدیدتر بر آن‌ها اعمال شود (ساکما؛ ۳۱۰-۲۲۶۲۸).

همان فرماندار (که احتمالاً به‌تازگی منصوب شده) در نامه‌ای به دفتر رئیس‌الوزراء، علت اصلی عدم پیشرفت کشف حجاب در قم را فهم و احساسات اهالی دانسته که تحت تأثیر حرف‌های آخوندها و روضه‌خوان‌ها به این طریق عادت کرده‌اند و این که در بدو امر درست عمل نشده و مردم به مزایای این موهبت آگاه نیستند. در ادامه از تلاش برای توجیه افراد فهیم سخن می‌گوید و اینکه زنان می‌بایست با کلاه و صورت باز از خانه خارج شوند. در ادامه این تذکرات را بی‌اثر دانسته و به همین دلیل به شهربانی دستور مراقبت بیشتری داده است. در این سند فرماندار می‌نویسد که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، اسامی کسانی که افراد را در این امور مورد شماتت قرار می‌دهند، عرض و تقاضای مجازات آن‌ها را خواهد داشت. فرماندار احتمالاً تازه‌کار، که هنوز آتش تندی دارد، در پایان از رئیس‌الوزراء کسب تکلیف می‌کند. پاسخی که در حاشیه نامه دریافت می‌کند، مختصر و محکم است: «نسبت به روسری زیاد اصرار شود مقصود این است که زنان بدون حجاب و روی باز بیرون بیایند» (ساکما، ۳۱۰-۲۲۶۲۸).

در همین زمینه در نامه شهربانی به نخست‌وزیری (به تاریخ ۱۳۱۹/۹/۲۸) راجع به عدم تعمیم کشف حجاب در شهرستان قم، رئیس اداره شهربانی؛ سرپاس مختار، آورده که آموزش‌های لازم به شهربانی قم داده شده و طبق گزارش مذکور زن‌هایی که دارای حجاب باشند، در آنجا دیده نمی‌شوند، آن‌هایی هم که با روسری صورت خود را می‌گیرند، تعقیب و به دادگاه مربوطه تسلیم می‌شوند. مجدداً دستور داده شده که دقیقاً مراقبت کرده و متخلفین را شدیداً تعقیب نمایند (ساکما، ۳۱۰-۶۰۱۶۱).

به‌طور کلی در مورد روند کشف حجاب در قم، آن‌طور که اسناد نشان می‌دهند، می‌توان گفت که خوشبینی‌های اولیه به مرور رنگ می‌بازد و کار به نگرانی و شکایت از عدم اجرای قانون کشف حجاب در قم می‌کشد. البته بحث کنار گذاشته شدن تعارف و تشریفات معمول و یا تغییر متولیان امور هم در این تغییر موضع می‌تواند مؤثر بوده باشد. احتمالاً آن تصویر کامل و خوشبینانه اولیه یا از سر ساده اندیشی بوده و یا به خاطر مصلحت سنجی و حل و فصل ماجرا و به گمان قوی‌تر هر دو مورد!

۳-۳. کشف حجاب در قم؛ امکانات و فرصت‌ها

نکته دیگری که در مورد کشف حجاب در قم می‌توان گفت این است که شهر قم به دلیل نزدیکی نسبی به تهران و البته توجه خاصی که مرکز در پیشبرد امور به آن داشته است، از بسیاری

از شهرهای دورافتاده دیگر، نسبتاً امکانات بیشتری برای تغییر وضع پوشش بانوان، البته در بین طبقات متوسط و بالای جامعه داشته است؛ چنانچه طبق آگهی‌های روزنامه استوار، در همان سال ۱۳۱۴، چند مورد خبر تأسیس خیاطی نسوان با آخرین مدل‌های روز و یا آگهی افتتاح فروشگاه لباس و کلاه‌های مدل جدید به چاپ رسیده است (اباذری، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۴).

۴. موضع و سیاست علما و روحانیون در مقابل مسئله کشف حجاب در قم

بدیهی است که مراجع و علما قم با نقض آشکار اصول و شعائر اسلامی مخالفت جدی داشتند. می‌توان گفت مهمترین عامل نارضایتی و درگیری آنان با حکومت رضا شاه در ماجرای کشف حجاب بروز یافت. در این میان حتی آیت الله شیخ عبدالکریم حائری؛ زعیم و مؤسس حوزه علمیه قم، که نسبت به مسائل سیاسی، مشی تقیه‌گونه پیشه گرفته و حتی در برخی مواضع پیشین خود به تأیید حکومت رضا شاه پرداخته بود، در مسئله کشف حجاب، به‌عنوان اعتراض جلسات درس و بحث و نماز جماعت خود را تعطیل و در محافل خصوصی اعلام نمود که باید تا پای جان مقاومت کرد، چون مسئله حجاب جزء ضروریات دین بوده و بنا به نص قرآن واجب شمرده می‌شود^۱ (گلی زواره، ۱۳۸۴: ۱۳۲). ایشان حتی در تلگرافی، به رضا شاه در ۱۱ تیر ماه ۱۳۱۴، نوشت:

«اوضاع حاضره که برخلاف قوانین شرع مقدس و مذهب جعفری (ع) است موجب نگرانی داعی و عموم مسلمین است بر ذات ملوکانه که امروز حامی و عهده دار نوامیس اسلامی هستند حتم و لازم است که جلوگیری فرمایند» (بصیرت منش، ۱۳۷۶، ۸۴).

تلگراف آیت الله حائری با توجه به سیاست مدارا و تقیه ایشان برای رضا شاه غیرمنتظره بود، بنابراین رئیس الوزراء؛ فروغی در پاسخی به تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۱۴ با اشاره به تعجب و تغییر شاه از تلگراف مذکور به انکار اقدامات خلاف شرع پرداخت و به این ترتیب، از اظهار نظر صریح در مورد کشف حجاب خودداری کرد. اما طبق شنیده‌ها رضا شاه مدتی بعد با حضور در منزل آیت الله حائری با تهدید ایشان صراحتاً اعلام کرد؛ که چون در کشور ترکیه کشف حجاب شده و به اروپا ملحق

^۱ از جمله مهمترین آیات حجاب در قرآن که حکم حجاب از آن استنباط می‌شود آیه ۳۱ سوره نور است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَصْنَانِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ؛ و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند، مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست، و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان... آشکار نکنند؛ و نیز آیه ۵۹ سوره احزاب: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های بلند بر خود بپوشند، این (عمل) مناسب‌تر است، تا (به عفت و پاکدامنی) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، و خداوند آمرزنده مهربان است.

گردیده، در ایران نیز باید کشف حجاب صورت گیرد و به دنبال آن عده‌ای از روحانیون به جرم تحریک آیت الله حائری تبعید شدند (بصیرت منش، ۱۳۷۶: ۸۵-۸۳). به عبارتی دیگر می‌توان گفت؛ با وجود اهمیت و حساسیت مسأله کشف حجاب، شیخ عبدالکریم حائری با هوشمندی خود و تجربه‌ای که در قضیه مجاهد معروف آقای شیخ محمد تقی بافقی، کسب کرد دریافته بود که رضاشاه فقط به دنبال بهانه‌ای است که حوزه علمیه قم را از ریشه بکند. حتی از آیت الله اراکی به نقل از منبع موثق، نزدیک به دربار، نقل کرده که رضا شاه گفته بوده است؛ اگر شیخ حائری مخالفتی جدی می‌کرد، می‌فرستادمش جایی که عرب نی می‌انداخت و به احتمال زیاد منظورش این بوده که او را هم مثل مدرس می‌کشت. در جایی دیگر نیز آیت الله حائری از عدم همراهی مردم در مقابله با سیاست‌های رضا شاه سخن گفته بود. دلیلی که در مورد نحوه واکنش به جریان برخورد رضا شاه با شیخ محمد تقی بافقی هم از ایشان روایت شده است (شکوری، ۱۳۶۸: ۱۴۹-۱۴۶).

در تأیید این موضوع در خاطرات آیت الله اراکی هم آمده که مسئولین امر، مراسم جشن کشف حجاب را به گونه‌ای ترتیب می‌دادند که در مسیر علما باشد؛ گویی می‌خواستند علما را ناگزیر به حرکتی کنند تا دستاویزی برای سرکوب آنان باشد (اراکي، ۱۳۹۰: ۴۵). به احتمال قوی این احساس خطر جدی برای جامعه روحانیت با توجه به عملکردها و سایر سیاست‌های حکومت رضا شاه، بین بسیاری از علما و روحانیون عمومیت داشته است.

البته این به معنای بی‌تفاوتی و بی‌توجهی آنان به مسأله کشف حجاب نبوده و در جاهایی که چاره‌ای جز مقابله مستقیم نبوده است، با جدیت وارد میدان می‌شدند. در این مورد می‌توان به سلی محکمی که آیت الله مرعشی نجفی به یکی از مأمورین شهربانی در حرم حضرت معصومه (س) و در دفاع از زنان محجبه می‌زند، اشاره کرد^۱ (رفیعی، ۱۳۹۲: ۷۷). در مورد شخص آیت الله حائری هم در خاطرات شفاهی آمده است که آیت الله با وجود اخلاق بسیار معتدل و عموم پسندی که داشتند، بعد از جریان کشف حجاب اخلاقش کاملاً تند می‌شود و به شدت ناراحت بوده‌اند (شبییری زنجانی، ۱۳۹۳: ۱۷).

۵. نتیجه‌گیری

اجرای قانون کشف حجاب در شهر قم به‌عنوان شهری مذهبی و مرکزی برای علما و طلاب حوزه علمیه، انتظار می‌رفت همان‌طور که بعضی از مسئولین و کارگزاران حکومت رضا شاه نیز اشاره و تأکید داشتند، با ملایمت و متانت بیش‌تری همراه باشد؛ اما در واقع و به‌ویژه با ظهور مقاومت‌های

^۱. به دنبال این اتفاق، مأمور شهربانی آیت الله مرعشی را تهدید به قتل می‌کند، ولی روز بعد که در بازار قم در حال حرکت بوده، قسمتی از ساختمان سقف بازار بر سر او خراب شده و همان دم می‌میرد. (برستخ نور گوشه‌هایی از زندگی و وصیت نامه آیت الله مرعشی نجفی، علی رفیعی علا مرودشتی، کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۳۹۲، ص ۷۷)

مردمی و نشانه‌هایی از بروز حساسیت در میان علما و روحانیون، بالعکس حکومت در اجرای این سیاست به اعمال روش‌ها و برخوردهای جدی‌تر و خشن‌تری روی آورد.

علاوه بر این هرچه از آغاز رسمی اجرای قانون کشف حجاب می‌گذشت، به تدریج از تعداد جشن‌ها و مجالس نسبتاً فرمایشی و نمایشی کشف حجاب (با جنبه‌های فرهنگی و توجیهی) و خوشبینی و ساده اندیشی اولیه درباره پیشرفت کشف حجاب، کاسته و بگیر و ببندهای خیابانی افزایش پیدا می‌کرد. حتی برای اجرای موفق‌تر این جنبه بر تعداد و مزایای مأموران شهرداری نیز افزوده شد. در مقابل، بسیاری از مردم در کنار ممانعت از حضور دخترانشان در مدارس و محدود کردن رفت و آمد در بیرون از خانه، به ایجاد تغییراتی در مدل پوششان نیز روی آوردند. برش‌هایی در چادرها ایجاد کرده و به جای روبند، پارچه‌های بزرگی را به عنوان روسری استفاده می‌کردند، که به وسیله همان صورتشان را هم می‌پوشاندند؛ اما مسئله برای حکومت صرفاً چادر نبود؛ بلکه اصرار داشت زنان بدون روسری، با کلاه و روی باز بیایند و این موضوعی بود که برای اکثریت زنان مسلمان آن دوره و خانواده‌هایشان، به ویژه در شهری به شدت مذهبی مثل قم، قابل قبول و اجرا نبود.

تمام این محدودیت‌ها و الزامات، سال‌های سخت و مصائب فراوانی را بر مردم و به‌ویژه بانوان این شهر تحمیل کرد. از طرف دیگر علما و روحانیون هم، با توجه به جدیت و خشونت‌هایی که طی سال‌های قبل از طرف حکومت رضا شاه در مقابل هرگونه اقدام اعتراضی سراغ داشتند، به‌طور کلی جانب احتیاط را نگه داشته و سعی می‌کردند، بهانه‌ای به دست حکومت ندهند، تا هم خودشان و هم نهاد روحانیت و حوزه علمیه را از خطر جدی که از طرف رضا شاه احساس می‌کردند حفظ کنند. به‌طور کلی می‌توان گفت که سیاست مردم و روحانیت در مقابل اجرای قانون کشف حجاب در قم، بیشتر تدافعی بود تا تهاجمی! اما در جاهایی که در برخورد جدی و رویارویی با سیاست‌گذاری‌ها و روش‌های اعمال حکومت احساس ضرورت می‌کردند، خود را ملزم به واکنش دانسته و از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کردند.

اجرای کشف حجاب در قم، گذشته از آزادی ظاهری که در پوشش و فعالیت اجتماعی بخشی از زنان طبقات بالا و عموماً، کارکنان حکومت به وجود آورد، طبقات پایین‌تر و قشر متدین را در زمینه تحصیل و کار در مضیقه قرار داد و حتی رفت و آمدهای عادی و ارتباطات عمومی روزانه زنان را محدود کرد. از طرف دیگر، زمینه‌ای برای تغییر شکل پوشش و حجاب، در دوره‌های بعدی ایجاد کرد. البته فشارهای اجتماعی، روحی و روانی این مسئله برای کل جامعه و به خصوص زنان، بحث مفصلی است که خود تحقیقات مستقل و مبسوطی را می‌طلبد.

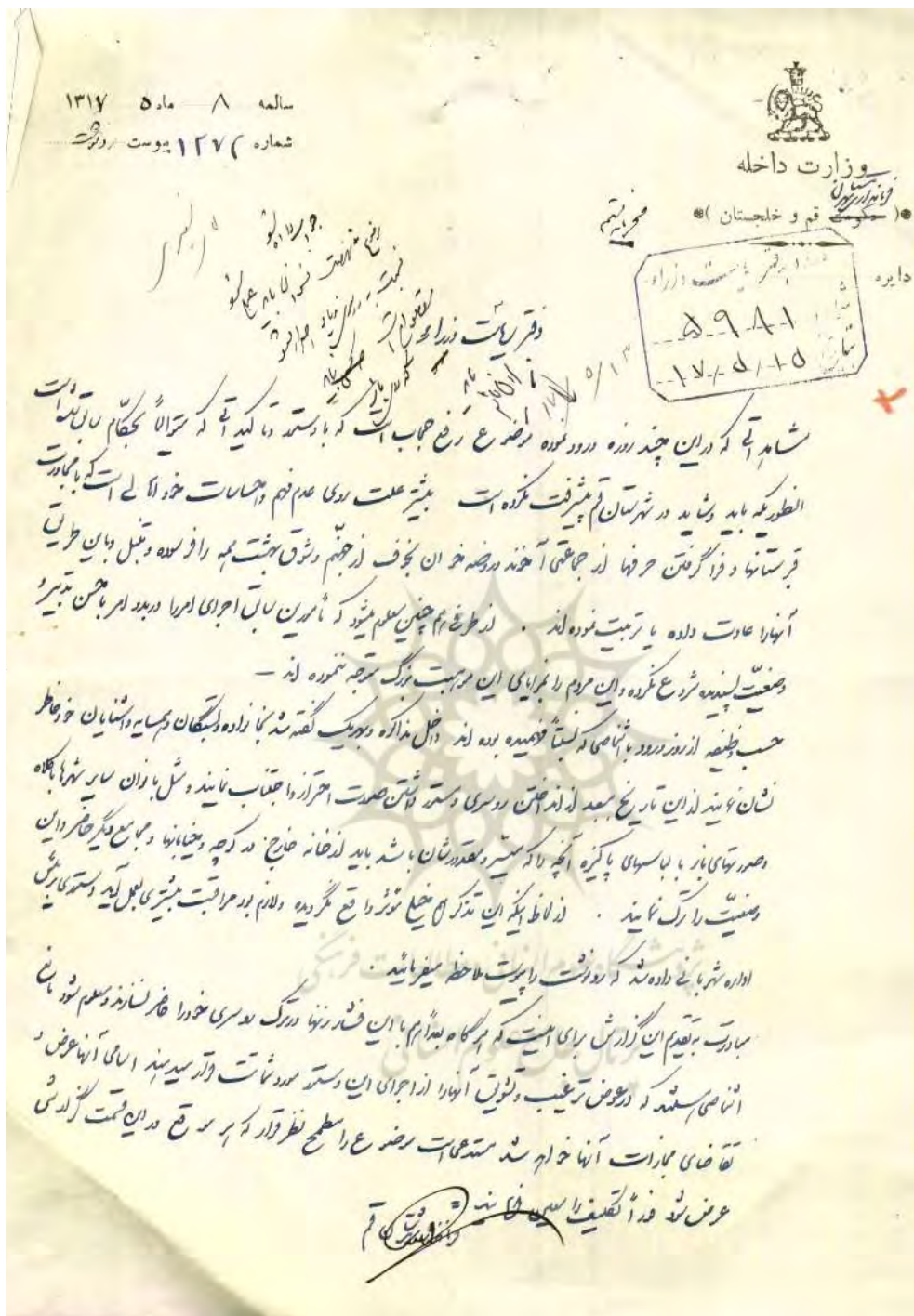
اداره سیر
 دایره دفتر
 موضوع
 تاریخ ۱۳/۱۱/۱۶
 شماره ۳۸۶۹۱
 ضمیمه ۵۴
 وزارت داخله
 اداره کل شهربانی
 ریاست وزراء

حلف بانده شماره ۱۶۶۵۶ / ۱۶۶۱۰۷۲۵
 بانده بان در طرف دور و صاف این جشن ۱۲ دی دعوت شد و محسن حضور
 نمانده اند دستور داده شد نسبت به علت عدم حضور ایشان فرود و تعیین احوال آنها
 نمایند بطوریکه شربانه زبرد گردش سید در طی بازجو به آب قدر سوخته نه استند
 شربانه مربوطه تقدیم نموده است براساس غده زبرد که صورت آن به صورت قدیم
 بدست سیر از قدیم تبیین نموده است و فرایند ارائه ای به تقصیرات بعد از این
 اعلام گردد -

۱۳/۱۱/۱۶
 مسکمه
 ۱۶/۱۱/۱۶

از دفتر آفرینانه کو

وزیر و کما چندی ریاست وزراء
 تاریخ ۱۳/۱۱/۱۶
 شماره ۱۵۶۹۱





منابع

- اباذری، علی رضا (۱۳۸۸). «استوار؛ اولین گام در عرصه روزنامه نگاری قم» پیام بهارستان، دوره دوم، ش ۴، صص ۵۶-۳۵.
- اراکي، محمد علی (۱۳۹۰). «خاطرات آیت الله اراکی» نشریه یاد، ش ۱۰۰، صص ۸۰-۲۳.
- استاد ملک، فاطمه (۱۳۶۸). حجاب و کشف حجاب در ایران، تهران: سنایی.
- آشنا، حسام الدین (۱۳۷۰). «کشف حجاب در آئینه اسناد» نشریه گنجینه اسناد، شماره ۱.
- بدلا، حسین (۱۳۹۶). هفتاد سال خاطره از آیت سید حسین بدلا، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بصیرت منش، حمید (۱۳۷۶). «روند کشف حجاب و واکنش روحانیان» تاریخ معاصر ایران، س ۱، ش ۲، صص ۹۲-۷۳.
- بصیرت منش، حمید (۱۳۹۹). علما و رژیم رضا شاه، تهران: عروج.
- تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد (۱۳۷۸). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۰). رسائل حجابیه، قم: دلیل ما، ج ۱ و ۲.
- حائری، عبدالهاری (۱۳۷۲). آنچه گذشت؛ نقشی از نیم قرن تکاپو، تهران: معین.
- خسرونت و فرهنگ؛ اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۷۱). تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- رفیعی علا مرودشتی، علی و مرعشی نجفی، سید محمود (۱۳۹۲). بر ستیغ نور؛ گوشه‌هایی از زندگی و وصیت نام آیت الله مرعشی نجفی، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی.
- رمضانی، رضا (۱۳۸۶). «حجاب در ایران؛ بررسی وضعیت حجاب در ایران از سال‌های آخر حکومت پهلوی تا پایان جنگ تحمیلی» مجله بانوان شیعه، ش ۱۱، صص ۲۸۶-۲۵۱.
- زائری، قاسم (۱۳۹۳). «دیرینه شناسی بی حجابی در ایران»، زن در توسعه و سیاست، ش ۴۵، صص ۱۸۶-۱۵۳.
- زندیه، حسن؛ اسرافیلیان، ماریا (۱۳۹۹). «کشف حجاب در ایالت استرآباد؛ واکنش‌ها و پیامدها» پژوهشنامه زنان، س ۱۱، ش ۴، صص ۶۶-۳۷.
- زواره، غلامرضا (۱۳۸۴). توطئه کشف حجاب در قم، قم: مجموعه مقالات، ج سوم.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۸۳۶۶-۲۹۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۳۰۶۵۹-۲۹۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۲۲۶۲۸-۳۱۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۳۱۰-۱۶۱-۶۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۴۶۳۱-۲۹۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۸۲۳۹-۲۹۰.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۳۰۴۷۴-۲۹۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۳۰۷۸۹-۲۹۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۶۵۶۶-۲۹۳.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۲۸۱۵۵-۲۹۷.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، ۱۸۴۷۸-۳۱۰.

- شبیری زنجان، سید موسی (۱۳۹۳). «گوشه‌هایی از تاریخ حوزه علمیه قم به روایت آیت الله شبیری زنجان» مصاحبه گر: علی اشرف فتحی، نشریه شهر قانون، ش ۹، صص ۱۷-۱۵.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۸). مرجع دوران‌دیش و صبور؛ آیت الله حائری موسس حوزه علمیه قم، نشریه یاد، ش ۱۷، صص ۱۶۲-۱۰۳.
- شهسواری، تقی (۱۳۸۴). «کشف حجاب در لرستان به روایت اسناد» نشریه شقایق، س ۱، ش ۳ و ۴، صص ۱۶۰-۱۳۸.
- صادقی، فاطمه (۱۳۹۲). کشف حجاب؛ بازخوانی یک مداخله مدرن، تهران: نگاه معاصر.
- صلاح، مهدی (۱۳۸۴). کشف حجاب؛ زمینه‌ها پیامدها و واکنش‌ها، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- فقیهی، علی اصغر (۱۳۷۷). گفتگو با استاد علی اصغر فقیهی (مصاحبه گر محمدعلی عارفی)، نشریه فرهنگ کوثر، ش ۱۶، صص ۸۵-۷۹.
- فلسفی، محمد تقی؛ روحانی، محمد (۱۳۷۸). خاطرات و مبارزات حجه الاسلام فلسفی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قائم‌نیک، محمد رضا؛ نجفی، طیب (۱۳۹۷). عصر تصویر بی حجابی و بی حجابی اجباری، زن در توسعه و سیاست، ش ۶۱، صص ۳۵۸-۳۳۹.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس)، سندنامه، ۳۹۳۸، قابل دسترس در: <https://ir-psri.com/sanadname/show.php?page=document&id=3938> (۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲).
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (مپس)، سندنامه، ۳۹۵۱، قابل دسترس در: <https://ir-psri.com/sanadname/show.php?page=document&id=3951> (۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲).
- واقعۀ کشف حجاب؛ اسناد منتشر نشده از واقعۀ کشف حجاب در عصر رضا خانی (۱۳۷۳) تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- وکیلی، هادی (۱۳۸۳). نامی درخشان بر تارک دادگستری، نشریه قضاوت، ش ۲۹، صص ۱۷-۱۷.
- وکیلی، هادی (۱۳۹۶). مجموعه مقالات همایش ملی قیام گوهرشاد، مشهد: بوی شهر بهشت، ج ۱ و ۲.

Research Article

**Implementation of the law on revealing the veil in the city of Qom;
Methods and reactions (documentary review)**

Fatemeh Sadat Zeyghamyian¹

Date of received: 2025/04/09

Date of Accept: 2025/05/10

Abstract

Hijab in the contemporary history of Iran has acquired complex dimensions with the introduction of western culture and ideas and the negative interference of governments. Certainly, any investigation and solution thinking about it requires a fundamental investigation of the form of public confrontation with the removal and discovery of the hijab, and of course, a study of the policies of the governments regarding that issue. The city of Qom, as a religious city with a concentration of clergy in it, can be considered as a suitable case study in this field. Regarding the research method, it should be said that in this research, with a descriptive-analytical method, during a library research and with the benefit of the archival documents and documents available in them, he examined and of course analyzed the subject, and at the same time, using The memoirs of contemporary knowledgeable people of the event (oral history) should be added to the citation and persuasive aspect of the work. The policies and methods of Reza Shah's government in the context of the implementation of the Hijab Removal Law in this city can be divided into two dimensions: propaganda and implementation. Advertising dimensions; It was usually followed in the form of hijab unveiling ceremonies and celebrations, which mostly had a commanding and dramatic procedure, and its performance aspect, which over time, became more colorful, serious and violent than the first aspect; It included preventing women from attending and dealing harshly with veiled women in schools, offices, roads and public gatherings. The method of confronting people and scholars against the law of revealing hijab has generally been more defensive and not offensive.

Keywords: documents on revealing the veil, veil, Qom, Reza Shah, clerics.

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Zeyghamyian, Fatemeh Sadat(Summer 2025). "Implementation of the law on revealing the veil in the city of Qom; Methods and reactions (documentary review)". Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media. Vol. 8, Num. 2, S.No. 30, pp. 77- 100.

¹. PhD student in the history of the Islamic Revolution, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran, Iran. Email: Zeyghamy_66@yahoo.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Abazari, Ali Reza (2009). "Estwar; The First Step in the Field of Qom Journalism" Payam Baharestan, Volume 2, No. 4, pp. 56-35. (in Persian)
- Araki, Mohammad Ali (2011). "Memoirs of Ayatollah Araki" Yad Magazine, No. 100, pp. 80-23. (in Persian)
- Ashna, Hesam al-Din (1990). "Discovering the Hijab in the Mirror of Documents" Ganjineh al-Sanad Magazine, No. 1. (in Persian)
- Badla, Hossein (2017). *Seventy Years of Memories of Ayat Sayyid Hossein Badla*, Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (in Persian)
- Basirat Manesh, Hamid (2017). "The Process of Unveiling the Hijab and the Reaction of the Clergy" Contemporary History of Iran, Vol. 1, No. 2, pp. 92-73. (in Persian)
- Basirat Manesh, Hamid (2019). *Scholars and the Regime of Reza Shah*, Tehran: Oruj. (in Persian)
- Changing clothes and uncovering the veil according to the narration of the documents (1378). Tehran: Center for the Study of Historical Documents. (in Persian)
- Faghihi, Ali Asghar (1998). Interview with Professor Ali Asghar Faghihi (interviewed by Mohammad Ali Arefi), Farhang Kowsar Magazine, Vol. 16, pp. 85-79. (in Persian)
- Falsafi, Mohammad Taghi; Rouhani, Mohammad (1999). *Memoirs and Struggles of Hojjat-e-Islam Falsafi*, Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (in Persian)
- Ghaemi-Nik, Mohammad Reza; Najafi, Tayyebah (2018). *The Age of the Image of Unveiling and Forced Unveiling, Women in Development and Politics*, Vol. 61, pp. 358-339. (in Persian)
- Haeri, Abdolhari (1372). *What has passed; A role from half a century of struggle*, Tehran: Moein. (in Persian)
- Institute for Political Studies and Research (MPS), Document, 3938, available at: <https://ir-psri.com/sanadname/show.php?page=document&id=3938> (May 15, 1402). (in Persian)
- Institute for Political Studies and Research (MPS), Document, 3951. available at: <https://ir-psri.com/sanadname/show.php?page=document&id=3951> (May 15, 1402). (in Persian)
- Jafarian, Rasoul (1380). *Rasael Hijabiyyah*, Qom: Dalil Ma, vol. 1 and 2. (in Persian)
- National Archives and Library of Iran (SACMA), 290-4631. (in Persian)
- National Archives and Library of Iran (SACMA), 290-8366. (in Persian)
- National Archives and Library of Iran (SACMA), 297-30659. (in Persian)
- National Archives and Library of Iran (SACMA), 310-22628. (in Persian)
- National Archives and Library of Iran (SACMA), 60161-310. (in Persian)
- National Archives and Library Organization of Iran, 290-8239. (in Persian)
- National Archives and Library Organization of Iran, 293-30474. (in Persian)
- National Archives and Library Organization of Iran, 293-30789. (in Persian)
- National Archives and Library Organization of Iran (SACMA), 293-6566. (in Persian)

- National Archives and Library Organization of Iran (SACMA), 297-28155. (in Persian)
- National Archives and Library Organization of Iran (SACMA), 310-18478. (in Persian)
- Ostad Malek, Fatemeh (1989). *Hijab and Unveiling in Iran*, Tehran: Sanaei. (in Persian)
- Rafiei Ala Marvdashti, Ali and Marashi Najafi, Seyyed Mahmoud (1392). *On the summit of light; Aspects of the life and will of Ayatollah Marashi Najafi*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Public Library. (in Persian)
- Ramezani, Reza (1386). "Hijab in Iran; A study of the situation of the veil in Iran from the last years of the Pahlavi regime to the end of the imposed war," *Shiite Women's Magazine*, vol. 11, pp. 286-251. (in Persian)
- Sadeghi, Fatemeh (2013). *Unveiling the Hijab; Rereading a Modern Intervention*, Tehran: Contemporary Perspective. (in Persian)
- Salah, Mehdi (2005). *Unveiling the Hijab; Backgrounds, Consequences and Reactions*, Tehran: Institute of Political Studies and Research. (in Persian)
- Shahsavari, Taghi (2005). "Discovery of the Hijab in Lorestan as Narrated by the Documents" *Shaghayegh Magazine*, Vol. 1, Vol. 3-4, pp. 160-138. (in Persian)
- Shubeiri Zanjani, Seyyed Musa (2014). "Corners of the History of the Qom Seminary as Narrated by Ayatollah Shubeiri Zanjani" Interviewer: Ali Ashraf Fathi, *Shahr Qanun Publication*, No. 9, pp. 15-17. (in Persian)
- Shukoori, Abolfazl (1989). *A Foresighted and Patient Reference; Ayatollah Haeri, founder of the Qom Seminary*, *Yad Magazine*, Vol. 17, pp. 162-103. (in Persian)
- The incident of revealing the veil; *Unpublished documents from the incident of revealing the veil in the era of Reza Khani* (1994) Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. (in Persian)
- Vakili, Hadi (2004). *A Bright Name for the Deceased Judge*, *Judiciary Journal*, No. 29, pp. 17-17. (in Persian)
- Vakili, Hadi (2017). *Collection of Articles of the National Conference of the Goharshad Uprising*, Mashhad: *The Scent of the City of Heaven*, Vol. 1 and 2. (in Persian)
- Violence and culture; *Secret documents of uncovering the veil* (1371). Tehran: National Documents Organization of Iran. (in Persian)
- Zaeri, Qasem (1393). "The Archaeology of Unveiling in Iran", *Women in Development and Politics*, Vol. 45, pp. 186-153. (in Persian)
- Zandiyeh, Hassan; Israfilian, Maria (2019). "Discovery of the Hijab in the Province of Astarabad; Reactions and Consequences" *Women's Research Journal*, Vol. 11, Vol. 4, pp. 66-37. (in Persian)
- Zavareh, Gholamreza (2005). *The Conspiracy to Unveil the Hijab in Qom*, Qom: *Collection of Articles*, Vol. 3. (in Persian)

